

مقدمه

در سی هزار سال پیش، در دوران پارینه‌سنگی تغییرات اندکی در زندگی بشر به وجود آمد. در این عهد بی‌آنکه انسان سنگ را تراشیده باشد آن را برای ساختن ابزار به کار برده است. نخستین نمونه کشف شده اُسیدین در غار شیندار متعلق به این دوران است.

از آغاز دوران نوسنگی و سالهای ۷۵۰۰-۶۵۰۰ سال پیش از میلاد که جوامع بشری اولیه کوچ‌نشینی را رها کردند و برای نخستین بار در یک جا اقامت گزیدند نیاز داشتند که مواد اولیه ضروری را برای زندگی از نقاط مختلف قلمرو زیستی خود تهیه کنند.

دامداران کوچ‌نشین با بهره‌گیری از منابع طبیعی در مسیر کوچ خود، احتیاجات اولیه روستاییان را برآورده می‌ساختند و در مقابل از فرآورده‌های کشاورزی آنان استفاده می‌کردند. این نیاز متقابل، نخستین گام در دادوستد پایاپای و اولین سنگ‌بنای بازرگانی در دوره پیش از تاریخ بود. نشانه‌های چنین مبادلاتی وجود صدفهای دریایی، تیغه‌های چخماق مرغوب و سنگ مرمر و سایر دست‌سازهای سنگی و سفالی است که طی کاوشهای باستان‌شناسی به دست آمده‌اند.

در دوران نوسنگی، یک کشف و یک اختراع مهم به وقوع پیوست؛ افروختن آتش که تمام ترقیات بشر از پرتو وجود آن است و دیگری تراشیدن سنگ چخماق. در این دوران انسان به کاربرد سنگ برای خرد کردن و آسیاب کردن و سوراخ کردن پی برد، و آن را به شکل و صورت مخصوصی، که با احتیاجات او موافقت داشت، درآورد.

خصوصیات محلی، تأثیر اقلیم و محیط و منابع طبیعی موجود و نوع سنگ در ساخت ابزار و آلات و ادوات بی تأثیر نبوده است. در این دوران استفاده از مهره‌های زینتی و آیینی افزایش یافت به طوری که از اواخر هزاره چهارم پیش از میلاد از این اشیاء در معابد و نیز سلسله‌های حکومتی استفاده می‌شد.

از آثار به دست آمده از این دوران علاوه بر ابزار (کج‌بیلها، پالت، هاون و سنگهای سایش‌دهنده)، ظروف و تزئینات سنگی به شکل دستبند و گردنبند و مهره‌های تزئینی را می‌توان نام برد.^۱

انسان پس از دریافتن محلی که توانست در آن استقرار یابد و غلبه بر ترس از جانوران غول‌آسای اطرافش و با گسترش ارتباطات اجتماعی و کلامی با هم‌نوعان خود، به پیراستن و زینت بخشیدن خود علاقه‌مند گردید.^۲ تزئینات سنگی مختلف، مهره، فیروزه و لاجورد که در میان‌رودان و سیلک پیدا شده بیانگر وجود فرهنگ غنی و تمدن ایران قدیم است (شکل ۱).

مواد منابع اولیه که از منابع دوردست تهیه می‌شدند و مورد استفاده هنرمندان قرار می‌گرفتند، عبارت بودند از:

سنگ لاجورد که از معادن بدخشان به بازارهای میان‌رودان آورده می‌شد، فیروزه از معادن متعدد در شبه جزیره سینا و کوههای شرقی البرز و کوههای ابلاک در منطقه نیشابور استخراج می‌شد و انواع دیگر سنگهای عقیق، کالسیت، کلرایت بودند و بعدها سنگ صابون و مس به آنها اضافه گردید.

قدیم‌ترین جواهراتی که تاکنون کشف شده مجموعه‌ای از چهل مهره صدفی به اندازه یک نخود است که همه آنها به گونه‌ای سوراخ شده بودند. این مجموعه در

۱. رفیع، جلال‌الدین، «تأملی درباره صنایع دهلران (۵۰۰۰-۷۰۰۰ ق.م)»، *مجله باستان‌شناسی*، سال ۷، شماره ۱-۲، ص ۱۲.

۲. ملک شهمیرزادی، صادق، *مبانی باستان‌شناسی ایران و مصر و بین‌النهرین*، جهاد دانشگاهی، ص ۹۹.

غار ی واقع در بلومیوس در افریقای جنوبی به دست گروهی از محققان نروژی که قدمت آن به ۷۵۰۰۰ سال پیش می‌رسد کشف شد.

به نظر می‌رسد این مجموعه دستبند یا زیور لباس بوده و بیانگر نوع فرهنگ و تمدن آن زمان مردمان غارنشین است که در ساختن وسایل زینتی و هنری مهارت بسیار بالایی داشته‌اند. این مجموعه جواهرات نفیس تاریخی می‌تواند تاریخی را که انسانها به تمدن دست یافته‌اند، مشخص کند.

در هفت هزار سال قبل از میلاد بشر به کشف مس و طلا که در طبیعت به طور خالص یافت می‌شود، موفق گردید. از آن پس استخراج فلز از سنگ میسر شد و فلز را برای ساختن ابزار و آلات با سنگ توأمان به کار بردند.

از آغاز دوران شهرنشینی و با به وجود آمدن قدرتهای امپراتوری و سرعت رشد اجتماعی و اقتصادی نیاز به سنگهای قیمتی و نیمه‌قیمتی بیشتر شد و انگیزه‌ای قطعی برای تجارت به وجود آمد. مبادلات سنگ نه تنها برای ساخت ابزار و ظروف و تزیینات بلکه برای ساخت بنا انجام می‌پذیرفت.

در این دوره انسانهای جوینده برای ساختن ابزار و آلات و ادوات و وسایل مورد نیاز خود انواع سنگهای ارزشمند و مناسب را از روی جلا و رنگ شناسایی و از آنها استفاده می‌کردند؛ بعدها برحسب تجربه به خواص آنها پی بردند و این اطلاعات را در بهینه‌سازی مصرف سنگها مورد بهره‌برداری قرار دادند.

موقعیت جغرافیایی ایران موجب گردید که عرضه یا تبادل انواع سنگهای ارزشمند بین دول شرق و غرب در آن صورت گیرد، و به عنوان تولیدکننده یا واسطه تجارتي سنگهایی که معادن آن در خارج از ایران قرار داشت، عمل کند. در واقع فلات ایران در طول دوره‌های تاریخ، مسیر اصلی ارتباطی - تجاری سنگهای قیمتی و ارزشمند میان شرق و غرب در مسیر جاده ابریشم بوده و نقش عظیمی در نقل و انتقال مواد و همچنین تبادلات آیینی و توسعه روابط فرهنگی و اقتصادی و فنی ملتها به عهده داشته است.

حفاریهای انجام شده در فلات ایران، افغانستان و آسیای میانه نشان می‌دهد مردمی که در قدیم‌ترین دوران پیش از تاریخ در این منطقه می‌زیستند دارای تمدن و فرهنگی والا بودند و سنگهای قیمتی را می‌شناختند و به فن استخراج معادن و جدا کردن آن از ناخالصیها، هنر تراش، سودن و سوراخ کردن سنگها آگاهی داشتند و به استناد ویژگی خاص جغرافیایی تبادل و تهاتر این سنگها با مراکز مجاور و سرزمینهای دوردست از راههای آبی، دریایی و خاکی انجام می‌شده است و بدین ترتیب ایران پل ارتباطی مبادلات پولی و اقتصادی و تجاری بین شرق و غرب بوده است.^۱

درخشش، تلالؤ و زیبایی جواهرات گرانبها و زرین از دورانهای پیش، نیاکان ما را به سوی خود کشانده است. قدیم‌ترین جواهری که به صورت تراش یافته از صدف و عاج به شکل گردنبند ساخته شده به بیست هزار سال پیش می‌رسد. ما نمی‌دانیم که مفهوم و کاربرد آن برای اجداد ما چه بوده است، ولی بعدها سنگهای قیمتی به شکل نهاد تقدس یا مظهر قدرت و گاه به شکل زینت آلات قیمتی به کار رفته است. این باورها به صور آیینی خاص در میان اقوام و قبایل اولیه رواج یافت و روز به روز بر ارزش سنگها افزوده شد و تقاضا برای آنها نه تنها در میان فرمانروایان و اشراف، بلکه عامه مردم نیز متداول گشت. به طوری که جنگها و درگیریهای بسیاری برای اندوختن هر چه بیشتر ذخایر سنگهای گران قیمت به وجود آمد و میزان برخورداری از آنها ملاک ارزش و بزرگی و قدرتمندی گردید.

آویختن سنگها به لاله گوش به صورت گوشواره و آویزان کردن گردنبند در گردن و بستن دستبند و بازوبند و مچ‌بند بر دست و کمر بند بر کمر و سنجاق زدن سنگ فیروزه یا مهره‌های آبی‌رنگ لاجورد به کلاه یا لباس کودکان، برای

۱. ریاضی، محمدرضا، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، سال نهم، شماره دوم، بهار و تابستان ۷۴،

جلوگیری از چشم‌زخم از اعتقادات فرهنگی و آداب و رسوم اجتماعی و سنتی اقوام کهن این سرزمین بوده است. استفاده از این مهره‌ها و سایر اشیاء زینتی از اواخر هزاره چهارم به بعد رو به ازدیاد گذاشت. مردمان بر این باور بودند که الهه مادر زمین، این سنگها را در بطن خود پرورده و آنها را به برگزیدگان تقدیم می‌کند تا حافظ و مدافع آنها در برابر بلاها، بیماریها، دردها و بدبختیها باشند. اشخاصی که این جواهرات را با خود داشتند برخوردار از نیروی مافوق طبیعت شناخته می‌شدند و از احترام و اعتبار والایی برخوردار بودند؛ این اعتقادات و سنن خاص، از عهد باستان باقی بود. انسانهای قدیمی بر این باور بودند که هر یک از این سنگهای قیمتی نوعی نیرو و ارتعاش شفابخش دارند. شمنها و کاهنان دوران باستان تلاش می‌کردند با کمک سنگهای الوان و درخشان، افکار خوب و سازنده را در بیماران خود پرورش دهند تا بر اضطراب و ترس و نگرانیهایشان غلبه کنند.

در گذشته نور حیات را در تالو سنگهای قیمتی می‌دیدند و از آن در بهبود روحیه و هماهنگی روحی کمک می‌گرفتند. اعتقاد بر این بود که طیفهای رنگی سنگهای ارزشمند، نفوذپذیرند و در سطح عمیقی از بدن عمل می‌کنند و هماهنگی روح و جسم را باز می‌گردانند و سلامتی را برای شخص به ارمغان می‌آورند و به دفع نیروی اهریمنی کمک می‌کنند و روح را شفاف و زلال و جسم را پاک و بی‌غش می‌سازند و سازواری‌ای را که جسم و روح به آن احتیاج دارد به دست می‌دهند.^۱ در واقع مردمان باستان برای هر یک از سنگها و جواهرات ارزشمند و قیمتی خاصیت استثنایی قائل بودند و آنها را مقدس و درمان‌کننده روح و جسم می‌دانستند.

سنگها توده‌ای از مواد سخت‌اند که بر اثر حوادث و فشار متبلور شده‌اند و مواد سیارات و اقمار طبیعی و دیگر اجرام سماوی را تشکیل می‌دهند. گذشتگان اعتقاد داشتند که هر سنگی با طیف رنگی خاصی هماهنگی دارد و برای

درمان نوعی از بیماری به کار می‌رود. از سوی دیگر ارتباط خاصی میان رنگ هر یک از سنگها و کواکب منظومه شمسی وجود دارد که نور، رنگ و درخشش خود را از آنها کسب می‌کنند. در حقیقت سنگها قطعه‌ای ساخته شده از کوبی در زمین هستند؛ به همین علت هم در گذشته قداست خاصی برای هر یک از آنها قائل بودند.

اعتقاد به ارتباط بین طیف رنگی و سنگهای قیمتی و هفت سیاره منظومه فلکی، نشان‌دهنده این حقیقت است که از قدیم میان این طیف رنگی هفت گانه و جواهرات و هفت سیاره ارتباط زیر برقرار بوده است:

- رنگ قرمز نماد ماه آبان و فروردین؛ یاقوت سرخ، به علت مشابهت به رنگ خون، متعادل‌کننده ارگانهای حیاتی. مرجان قرمز حرارت‌بخش در بدن و دارای کاربرد در موارد کم‌خونی، سوء تغذیه و فقر غذایی.
- رنگ نارنجی نماد مرداد ماه؛ سوده عقیق کارنلین تقویت‌کننده زنان باردار و پیش‌گیرنده از سقط جنین.

- زرد و طلایی نماد ماه اردیبهشت؛ یاقوت طلایی و توپاز تقویت‌کننده جسم و ذهن. گرمابخش در گذر از راههای یخ‌زده به مسافر و کهربا فزاینده عقل و آرامش‌بخش و تصفیه‌کننده.

- سبز نماد ماه تیر؛ زمرد و تورمالین ایجادکننده تعادل و شفابخش و تعالی‌دهنده عرفان. مالاکیت (مرمر سبز) درمان‌کننده عفونتهای چشمی.

- آبی نماد ماه دی؛ یاقوت کبود و لعل یادآور گستره و پهنه لایتناهی آسمان و دریا. فیروزه نماد ماه بهمن و اسفند (هر چه میزان مس آن بیشتر باشد تأثیر اشعه مثبت آن بیشتر است).

- نیلی نماد شهریور و آذر؛ یاقوت کبود

- توپاز آبی، زبرجد، لاجورد

- بنفش - آمیتیس، فلوریت

اعتقاد بر این بوده که هر یک از این سنگها ارتعاشات خاصی دارند و

می‌توانند به نقاط انرژی مرکزی که به صورت دایره‌هایی در راستای ستون فقرات شخص قرار دارند و از خود تشعشعات و انرژی ساطع می‌کنند و اصطلاحاً «چاکرا» نامیده می‌شوند، کمک کنند. این باورها باعث شد تا توجه بشر به سنگهای ارزشمند افزون شود و در دنیای باستان و در عهد نوسنگی تجارت بر مبنای آن شکل گیرد و فنون و مشاغل خاص در این زمینه پدیدار گردد.

علاقهٔ مادها به فلزکاری و جواهرسازی، زیورآلات بسیاری از آنها به یادگار گذاشته است. مادها پس از پیروزی بر آشوریان و تشکیل دادن دولتی مقتدر و رسیدن به ثروت، به جواهرسازی توجه مخصوص نشان دادند. جالب این است که آشوریان، صنعتگران و جواهرسازان ماد را به خدمت خود درآورده و آنان را به کشور خود انتقال داده بودند. داریوش نیز به هنگام ساخت کاخ شوش از جواهرسازان ماد استفاده کرد. در گورهای لرستان دستبند و گردنبند دو سر آزاد از طلا و برنز و آهن که معمولاً به صورت سر جانوران و حتی انسان ساخته می‌شد به دست آمده که معمولی‌ترین اشیاء زینتی دورهٔ مادهاست. طبق حفاریهای انجام شده در سیلک کاشان انسانهای اولیه مردگان را با زیورآلات تدفین می‌کردند. در هزارهٔ سوم پیش از میلاد، مردگان با جواهرات خود که عبارت بود از: زینت آلات، نقره، صدف، طلا، گوشواره - که از طلا و لاجورد ساخته می‌شد - و گردنبندهای طویل - که با مهره‌های طلا و نقره و لاجورد و عقیق و سنگ سفید تهیه می‌شد - به خاک سپرده می‌شدند (شکل ۱).

در هزارهٔ اول پیش از میلاد از ورای آثار گرانبهای طلا و نقره و عاجهای حکاکی شده که در آذربایجان در جنوب شرقی دریاچهٔ ارومیه به دست آمده، تکامل هنر جواهرسازی را می‌توان یافت. هنر زرگری و نقره‌سازی را، به ویژه در دورهٔ مادها، می‌توان آغاز یک تحول عظیم هنری به شمار آورد که در زمان خود به اوج تکامل رسیده بود. هنر زرگری و نقش‌اندازی این دوره را به گونه‌ای تبلور باورهای زمان خود باید دانست که از نخستین منابع اسطوره‌شناسی ایران به شمار می‌رود.

شکل ۱ جواهرات دوران قبل از میلاد مسیح نگهداری شده در موزه ملی ایران

ادامۃ شکل ۱

گردنبندهای باریک و دستبند که با سر حیوانات و مار ادغام شده گواه هنر ارزنده هنرمندان دوره هخامنشی است؛ این اشیاء که در کاوشهای باستان‌شناسی به دست آمده است، از کاربرد جواهرات در دوران و روزگاران باستان خبر می‌دهد (شکل ۲).

شکل ۲ دستبند زرین، دوره هخامنشی، کشف شده در کردستان

ایرانیان تا زمانهای درازی از زیورآلات استفاده می‌کردند؛ حتی مردان از گوشواره، دستبند و گردنبند استفاده می‌کردند. کمربند عریض جواهرنشان که در روی سگک پهن آن تاج زیبای آناهیتا، الهه زیبایی، نقر شده بر روی صخره‌ای

متعلق به دوران ساسانیان در طاق‌بستان کرمانشاه، نشان‌دهنده آن است که مردم آن روزگار الهه‌های خود را با زینت‌آلات و زیورآلات می‌آراستند.

گنجینه هفت هزار سال هنر ارزنده استادکاران ایران نشانه‌ای از قدرت و ثروت و گرایش به زیبایی‌شناسی در مشرق‌زمین بوده، و تنوعی که در نحوه ساخت آن و کیفیت تراش و پرداخت و حکاکی و به کارگیری روشهای بهبود کیفیت رنگ به کار می‌رفته بیانگر اوج تعالی و ترقی این هنر است.

این گنجینه به جا مانده از اقوام کهن ایرانی، میل به جلوه‌گری و خودآرایی صاحبان خود را بازگو می‌کند. سنگهای زیبا و چشم‌نواز در رنگهای متفاوت، در گذشته دور از معادن مختلفی به دست می‌آمد. فیروزه از صحرای سینا و نیشابور، آمتیست از نزدیک اسوان، لاپیس‌لازولی از بدخشان و عقیق از یمن توسط گروههای مختلف بازرگانان و یا مسافران به بازار مصرف می‌رسید و سرزمین میان‌رودان یکی از مهم‌ترین و بزرگ‌ترین بازار مصرفی آن بود.

در دوره سلجوقی تجارت جواهر و انواع و اقسام احجار کریمه رونقی بسزا داشت. جواهرات در دوره مغول نسبتاً نادر است. از دوران زندیه و افشاریه نیز مدارک زیادی را نمی‌توان ارائه داد؛ چند نمونه آن گوشواره طلایی هلالی‌شکل با آویز و دو سر اژدها در موزه ایران باستان وجود دارد. در دوره تیموری و صفوی بازار جواهر رونق بیشتری پیدا می‌کند. همچنین از روی گزارش سیاحان و گردشگران خارجی می‌توان دریافت که در دوران قاجار زیورهای زنان عبارت بود از: گیسوبندها، تاج، نیم‌تاج، النگو، گوشواره، سینه‌ریز، بازوبند، خلخال و انگشتری. امروز اگرچه در ساخت جواهرات، سنت پیشین را مراعات نمی‌کنند و به روش غربی گرایش بیشتری پیدا شده است، سینه‌ریز بندری در گوشواره‌های طلایی لار، کلاهخود و کمربندهای زینتی جواهرنشان کردستان که با سگک برنزی پهنی باز و بسته می‌شود و اشکال سنتی گردنبندها، دست‌بندها، خلخال، انگشتری، حلقه بینی، طلسم و سنجاق سر که به روال سنت کهن ساخته و پرداخته می‌شود، از جمله زیورآلاتی است که زنان برای جلوه‌گری و خودآرایی از آن استفاده می‌کنند و نشان از پابندی آنها به آداب و رسوم و سنتهای قدیمی دارد.

مطالعه اشیاء و زیورآلات باستانی از دیدگاه گوهرشناسی در موزه‌های معتبر اروپا و آسیا از سابقه قابل توجهی برخوردار است. بررسی آثار به دست آمده از کاوشهای باستان‌شناسی، از سویی حقایق مهمی را در خصوص اعتقادات فرهنگی و آداب و رسوم مذهبی و اجتماعی اقوام کهن این سرزمین پهناور آشکار می‌سازد و از سوی دیگر اطلاعات ارزشمندی را از خاستگاه سنگهای گرانبها در اختیار ما قرار می‌دهد.

خلاقیت هنری هنرمندان ایرانی در به‌کارگیری کانیهایی چون آمازونیت، مرجان سرخ، عاج و برخی از صدفها و نیز کیفیت تراش، تنوع در روش ساخت، به‌کارگیری روشهای بهبود رنگ، حکاکی اشیاء و روش سوراخکاری آنها، نشان‌دهنده تفاوت روش کار در کارگاههای مختلف ساخت است و ما را با خاستگاه اولیه و موقعیت جغرافیایی کارگاههای مختلف ساخت، آشنا می‌سازد.

کتاب *جواهرشناسی سنگهای قیمتی* که از نظر تان می‌گذرد در دو جلد تنظیم شده است. جلد اول شامل کلیات سنگهای قیمتی است که از نظر رنگ، تالو، غلظت و پاکی و خلوص، تراش، بررسی ضریب شکست نور و بازتاب دوگانه انعکاس نور و چندرنگی از انواع کانیها و چگونگی تشخیص و خصایص سنگها، بررسی وزن مخصوص، بررسی جذب نور در سنگها، با محور سفید و اشعه ماوراء بنفش، بررسی سنگ اصلی و جدا کردن از سنگهای مصنوعی در دوازده فصل تنظیم شده است. امید است که این مجموعه مورد استفاده اربابان هنر قرار گیرد و دانشجویان را به کار آید.

و من الله توفیق و علیه التکلان

دکتر سوسن بیانی